

شعر و شعور

برگزیده متون و اشعار ادب پارسی برای دانشجویان

دکتر فاطمه جمالی

عضو هیأت علمی دانشگاه پیام نور

- سرشناسه : جمالی، فاطمه، ۱۳۴۵ -
 عنوان و نام پدیدآور : شعر و شعور : برگزیده متون و اشعار ادب پارسی برای دانشجویان / فاطمه جمالی.
 مشخصات نشر : اصفهان: دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی اصفهان، ۱۳۹۰.
 مشخصات ظاهری : ۱۳۲ ص.
 شابک : 978-964-524-386-7
 وضعیت فهرست نویسی : فیفا
 موضوع : ادبیات فارسی -- مجموعه‌ها
 موضوع : شعر فارسی -- مجموعه‌ها
 موضوع : نثر فارسی -- مجموعه‌ها
 شناسه افزوده : دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی اصفهان
 رده بندی کنگره : PIR۴۰۰/ج۴۵ش ۷ ۱۳۹۰
 رده بندی دیویی : ۸۸۱/۸
 شماره کتابشناسی ملی : ۲۴۹۹۹۶۰
 کد پیگیری : ۲۴۹۸۰۵۰



نام کتاب: شعر و شعور
 برگزیده متون و اشعار ادب پارسی برای دانشجویان
 نویسنده: دکتر فاطمه جمالی
 ناشر: انتشارات دانشگاه علوم پزشکی اصفهان
 شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۵۲۴-۳۸۶-۷
 تعداد صفحات: ۱۳۲
 نوبت چاپ: اول
 تیراژ: ۲۰۰۰
 قطع: وزیری
 تاریخ چاپ: پاییز ۱۳۹۰
 قیمت: ۳۶۰۰ تومان

کلیه حقوق برای دانشگاه علوم پزشکی اصفهان محفوظ است.

آدرس: دانشگاه علوم پزشکی اصفهان - ص.پ. ۸۱۷۲۵-۳۱۹ <http://publication.mui.ac.ir>

دورنما: ۰۳۱۱-۶۶۸۷۸۹۸

تلفن فروشگاه: ۰۳۱۱ - ۶۶۸۳۴۰۵

فہرست مطالب

صفحہ	عنوان
ز	☐ مقدمہ
۱	بخش اول : گلچین شعر کهن پارسی
۳	☐ ستایش
۴	☐ رودکی
۶	☐ فردوسی
۱۴	☐ ناصر خسرو
۱۵	☐ مسعود سعد.
۱۶	☐ سنایی
۱۸	☐ نظامی
۲۲	☐ عطار
۲۹	☐ مولانا
۳۵	☐ سعدی
۳۷	☐ حافظ
۳۹	بخش دوم : گلچین نثر کهن پارسی
۴۱	☐ بیہقی (تاریخ بیہقی)
۴۳	☐ عنصر المعالی (قابوس نامہ)
۴۴	☐ خواجہ عبدالہ انصاری (مناجات)
۴۶	☐ سعدی (گلستان)
۴۸	☐ احمد غزالی (سوانح العشاق)

۴۹	□ عین القضاء (تمهیدات)
۵۲	□ نصرالله منشی (کلیله و دمنه)
۵۴	□ سعدالدین وراوینی (مرزبان نامه)
۵۶	□ نجم الدین رازی (مرصادالعباد)
۶۱	□ عید زاکانی
۶۵	بخش سوم : برگزیده شعر معاصر پارسی
۶۷	□ نیما یوشیج
۶۹	□ سهراب سپهری
۷۱	□ فریدون مشیری
۷۳	□ قیصر امین پور
۷۸	□ امام خمینی (ره) ..
۷۹	□ محمد علی بهمنی
۸۱	□ ادبیات عاشورایی
۸۷	بخش چهارم : برگزیده دانش های ادبی
۸۸	□ انواع ادبی
۹۰	□ انواع نظم و نثر
۱۰۵	□ سبک های شعر فارسی
۱۱۴	□ مکتب های ادبی اروپا
۱۱۹	منابع و مأخذ

مقدمه

مَنْ كَانَ لِلَّهِ يَنْمُوا

«ساده و صمیمی می گویم»

«ادبیات را دوست دارید؟ چقدر؟ به کدام بخش آن بیشتر علاقمندید؟» این ها، پرسش های آغازین من از تک تک دانشجویان، در کلاس های فارسی عمومی است. نتیجه ای که همیشه از این نظرسنجی میدانی حاصل می شود، هم مایه شادمانی است و هم سبب تأسف. خرسندی از این جهت که جوهر ذاتی ادبیات کهن و اصیل پارسی، در ذهن جوان امروز، هنوز پا بر جاست. وقتی از ضرورت شناخت ادبیات ملی و مذهبی برایشان می گویی، گویا غبار فراموشی و ناباوری از ذهن و ضمیرشان زدوده می شود و درخشش این باور را می توان در چشم های تک تک شان دید. و ناخرسندی از همه آسیب هایی که گاه ما متولیان ادبیات بر باور ادبی و فرهنگی فرزندانمان وارد کردیم. در بررسی و آسیب شناسی فرایند تدریس ادبیات عمومی که طی سالها تدریس این درس حاصل شده است، آشکار می شود، بزرگترین آسیب در دوران آموزشی قبل از دانشگاه ایجاد می شود. به ویژه در دوره دبیرستان که درس «زبان فارسی» و مسایل فنی گاه غیر مفید و پیچیده به جای ایجاد انگیزه و رغبت در مطالعه آثار ادبی سرزمین مادری، آنان را از هر آنچه در تعریف ادبیات می گنجد بیزار می کند. با یک سنجش آماری ساده در هر کلاس فارسی عمومی می توان به سادگی این نتیجه را مشاهده نمود. منظور حذف یا تعدیل درس زبان فارسی از دروس دبیرستان نیست، که این تصمیم مربوط به مجریان و متخصصان حوزه آموزش است-اگرچه ضرورت یک بازبینی و هم اندیشی میان کارشناسان آموزش و پرورش و دانشگاه مشهود است- سخن اصلی آن است که؛ ای کاش، از دوران پیش از دانشگاه به فرزندانمان «معنای حقیقی» و «حقیقت معنا»ی ادبیات را می آموزیم! در این صورت ماهیت ادبیات را که؛ انسان سازی، شعورمندی، خداشناسی و تقویت باورهای دینی، اخلاق مداری و رعایت اصول صحیح رفتاری، بینش های علمی و پرهیز از حاشیه های غیر علمی، دوری از رخوت و سستی و ایجاد انگیزه برای تکاپو و سازندگی، زندگی شاد و سراسر انرژی، تقویت غرور ملی و فرهنگی و ده ها چنین است، می شناختند و

این همه را با معدودی قاعده های زبانی که در واقع زیر مجموعه ادبیات است مقایسه و مقابله نمی کردند. در این حالت هیچ دانشجویی در پاسخ سوالات بالا با هجوم افکار خسته و بدون انگیزه عدم علاقمندی خود را نشان نمی داد. این در حالیست که در میان خصایصی که قوم ایرانی مخصوص بدان است، هیچ خصیصه ای مانند شاخص ها و امتیازات ادبی او قبول عامه نیافته و محل تصدیق دانشمندان و ادیبان اقوام دیگر و موجب محبوبیت و سرافرازش در بین جهانیان واقع نشده است. (سمعی، ۱۳۶۱: ۵) با وجود افتخارآفرینی و درخشش ما در تمام حوزه های علمی و غیر علمی، تنها میدانی که بلامعارض و بدون رقیب بر سکوی اول جهان ایستاده ایم، ادبیات غنی و فاخر پارسی است. تا آنجا که بر سر در مجامع جهانی، ذوق و قریحه شاعران و عارفان پارسی زبان است که می درخشد. آثار گرانشنگ فارسی در صدر فهرست فروش آثار ادبی جهان قرار می گیرد. اندیشمندان غرب و شرق به عناوین و شیوه های مختلف سعی در اثبات اندک ارتباطی میان ادبیات خود با بزرگان ادب ما دارند، در همایش های ادبی و فرهنگی بین المللی آثار ادبی و ملی ما را در بونه توجه و تحقیق خود قرار می دهند. نیز، رشد روزافزون زبان و ادبیات پارسی در کشورهای دور و نزدیک نمونه ای از این جایگاه رفیع جهانی است. توجه به این حقایق آشکار، سبب تقویت غرور ملی و باور فرهنگی و دینی ما می شود. وقتی می اندیشیم که در برابر یک شکسپیر برای انگلستان، یک دانته برای ایتالیا، یک گوته برای آلمان، ما با داشتن؛ مولانا، حافظ، سعدی، عطار، فردوسی، خیام و ... سلسله جبالی از قلل رفیع و برفراز ادبی داریم، به زبان و ادبیات سرزمینمان مباهات می کنیم. از این ها که بگذریم اهمیت تکرار این افتخارات در گرو آموزش صحیح ادبیات و ستاناندن دقیق بزرگان ادب و ایجاد باور و اعتقاد به این عظمت و شکوهمندی است. لازمه کشف حلقه های گمشده این عقد شاهوار، پیوند اندیشه و تفکر جوان امروز به اندیشه و پیام این بزرگان است. پاسخ به این پرسش های مهم و کلیدی که؛ آنچه شاعران گذشته گفته اند در دوران زندگی من، جوان و دانشجوی امروز، چه کاربردی دارد؟ حال که ادبیات ما نمود هویت ملی و مذهبی ماست، آیا تنها حفظ کردن و آزمون دادن این آثار کافیست؟ در نهایت چه دستاوردی حاصل می شود؟ آیا گذراندن سه واحد فارسی عمومی آرمان نهایی من به عنوان یک مخاطب پارسی زبان است؟

در برابر این همه سوال و در پیشگاه انصاف خود تنها به یک پرسش از خودمان بسنده می‌کنم.

آیا نقش ما معلمان ادبیات در مقابل این عطش دانستن حقیقی چه بوده است؟

آنچه بیان شد نقدی بود بر عملکرد خودمان تا به مخاطبان این درس و این کتاب بیشتر توجه کنیم. بدانیم در یک کلاس فارسی عمومی، اغلب با اندیشه‌ها و باورهای آسیب دیده‌ای روبرو هستیم که نیازمند احیا و شکوفایی است. و در این احوال وظیفه ما در برابر این مخاطبان جوان و تشنه دانستن بسیار ویژه و حساس است. یک برخورد غیر علمی و بی تدبیر از من به عنوان مدرس ادبیات عمومی، می‌تواند برای همیشه آسیب‌های اعتقادی آنها را تثبیت کرده و چه بسا مسیر زندگی‌شان را تغییر دهد. آن‌هم در شرایطی که اغلب علت علاقه یا عدم علاقه به دروس یا شاخصه شخصیت مدرس آن درس سنجیده می‌شود. بر اساس آنچه گذشت در تمام مراحل آموزش ادبیات عمومی در دانشگاه، از تدوین کتاب و گزینش متون و اشعار گرفته تا انتخاب استادان و ارزیابی عملکرد ایشان، باید فرایندی علمی و روانشناسانه طی شود. به عنوان اولین قدم باید باور برخی از ما معلمان ادبیات، اصلاح گردد، بدین معنا که نگرشی ساده انگارانه بر تدریس این واحد درسی نداشته باشیم. گاهی این دغدغه وجود دارد که شاید زمانی حدود پنجاه ساعت درس فارسی عمومی، برای درک و دریافت و آموختن زوایای ظریف و لطیف زبان و ادبی که قدمتی به طول تاریخ دارد، مجال بسیار کوتاهی است. اما باید این گونه اندیشید که، در این درس بیش از آنکه نگرش کمی مد نظر باشد، برآمدن کیفی اهمیت دارد. بدین معنی که در این عرصه بهتر است، با حفظ اصول علمی و تخصصی کار، اندکی از برخورد حرفه‌ای و خشک فاصله گرفت و ثابت نمود که می‌شود در این زمان محدود هم با هنرمندی تمام به سراغ سرچشمه‌ها رفت و با ایجاد انگیزه در خود دانشجویان، شاه کلید‌های شناخت ادبیات را به دستشان داد تا پس از ما هم بتوانند با مراجعه به گنجینه فاخر و بی نهایت زبان و ادب پارسی حظ و بهره ببرند و دیگران را هم بهره‌مند سازند.

زبان و ادبیات فارسی ابعاد گسترده و زوایای ظریف و قابل تأمل فراوانی دارد که به سادگی و با درایت می‌توان از آن طریق به پرورش و شکوفایی عواطف و اندیشه‌های انسانی مخاطبان پرداخت. به طور مثال باید به ویژگی‌های بلاغی کلام گویندگان اشاره نمود؛ شیوه

پیام‌رسانی هر شاعر و نویسنده، در ساختار بلاغی سخن وی، نهفته است. گاه آثار اندک باقی مانده از یک شاعر نیز، ترجمان شفافی است از اندیشه و احوال درونی او، اوضاع سیاسی اجتماعی روزگار و ویژگی‌های ادبی عصر او. در پژوهشی که بر یکی از جزیی‌ترین ابعاد بلاغت زبان رودکی، یعنی؛ بازتاب علم معانی و به طور خاص «مقاصد ثانوی خبر و انشاء» در شعر وی، انجام شد، تصویر گویایی از جهان پیرامون شاعر و تفسیر و تبیین جهان بینی اش به دست آمد. (جمالی، ۱۳۸۸: ۱۱۳) پس ما می‌توانیم، دانشجویان را با بلاغت گفتار و شیوه پیام‌رسانی گویندگان پارسی آشنا سازیم. تا از طریق این شناخت و الگوسازی، خود نیز شیوه‌های مفید و مؤثر ایجاد ارتباط را فرا بگیرند و در دنیای جدید که عصر افزایش ارتباطات و تعاملات بشری است، به عنوان یک انسان موفق پشت هیچ در بسته ای نمانند. با این وصف، تبخّر و تخصص در تدریس فارسی عمومی باید به مراتب بیشتر از تدریس دروس تخصصی به دانشجویان ادبیات باشد. زیرا؛ اولاً دانشجوی ادبیات با آگاهی و انگیزه وارد این رشته شده است و بیش از آنکه نیازمند برانگیختن باشد باید مورد ارزیابی جدی برای ایجاد تکاپو و تحقیق قرار گیرد و دوم اینکه؛ ما معتقدیم فارسی عمومی به نوعی پیشانی ادبیات و دروازه ورودی طیف وسیع مخاطبان فارسی زبان و حتی غیر فارسی زبان به کاخ بلند سخن پارسی است. پس با این اوصاف بسیار اهمیت دارد که ما معلمان ادبیات، مخاطب خود را بشناسیم و بر اساس رعایت مقتضای حال مخاطب ظرفیت‌ها و ضرورت‌های آنان را ارزیابی کرده و با کوله باری از علم و تجربه، مانند یک پیامبر، پیام حقیقی ادبیات یا ادبیات حقیقی را که شناخت خود، انس با خدا و پابندی به آرمان‌های ارزشی و فرهنگی سرزمین مان است، به ایفای رسالت خود بپردازیم. تا در پایان دوره آموزش این واحد درسی به اندازه همه دانشجویان کلاس، خانواده‌ها و دوستانشان علاقمند به ادبیات داشته باشیم.

پس از طرح اجمالی موضوع آسیب‌شناسی تدریس فارسی عمومی، ضرورت دارد؛ علاوه بر توجه به ابعاد مختلف و ظریف بحث، به طور کلی در دو حوزه به تدبیر نشست و دقت نمود. الف. داشتن تبخّر، تخصص، باور و صلابت در تدریس و رعایت ظرایف روانشناسانه در برخورد با مخاطبان این درس.

ب. توجه ویژه به محتوای کتاب فارسی عمومی و انتخاب متون و اشعاری که منطبق با نیازها معنوی و دغدغه های درونی جوان دانشجویست.

پس می توان نتیجه گرفت؛ لازم است، توانمندترین معلمان و برگزیده ترین متون در خدمت تدریس فارسی عمومی قرار گیرد.

با توجه به آنچه در باب اهمیت گزینش آثار بیان شد و نیز ضرورت ایجاد ارتباط و علاقه دانشجویان عزیز با متون منتخب، از سالها قبل، در فرآیند تدریس فارسی عمومی رشته های علوم انسانی و علوم پزشکی، ابتدا، تعداد فراوانی از متون و اشعار گردآوری شد، سپس در طول دو سال این آثار در معرض داوری و گزینش دانشجویان قرار گرفت و نتیجه آن شد که از میان هزاران اثر گردآوری شده، مجموعه حاضر به دست آمد. پس دانشجویان عزیز، با دغدغه ها و انتخاب های نسل خود روبرو هستند. در این حالت اگر توانیم ادعا کنیم بهترین نمونه های نظم و نثر فارسی را گردآورده ایم می توانیم خرسند باشیم که بهترین های مورد نظر مخاطبان جوانمان را در گزینش نهایی و تخصصی خود در دست داشتیم. این نتیجه رضایت قلبی فراوانی را حاصل می کند زیرا معتقدیم، تمام ادبیات فارسی بهترین است و تنها می توان با توجه به علایق و سلیق مخاطبان دست به گزینش زد.

از میان شاعران کهن، بر اساس تقدّم زمانی، تنها به معدودی از شاعران نامی ایران بسنده شد و از میان نویسندگان گذشته نیز برجسته ترین و مطلوب ترین آثار منشور از منظر مخاطبان، را برگزیده ایم و در فصل مربوط به ادبیات معاصر آثاری شاعرانی انتخاب شد که به نوعی در تحول شعر و اندیشه های ادبی عصر ما و به ویژه عواطف و تفکرات جوانان تأثیر داشته اند. به طور کلی، آثار منتخب در این کتاب به سادگی امکان انتقال اندیشه های ادبی، اعتقادی و اخلاقی را به دانشجو به دست می دهد. این آثار همان طور که پیشتر بیان شد، شاه کلیدی برای گشودن دیگر قفل های گنجینه ادب پارسی است و در کنار این مجموعه، مطالب دیگری در کلاس مطرح خواهد شد. سرفصل های منتخب در فصل دانش های ادبی نیز در همین کتاب گنجانده شده است تا علاوه بر آنکه دانشجو فراگیرد این بخش هم جزو ضروریات دانستن زبان و ادب پارسی است، دسترسی به آن هم ساده تر باشد.

در آغاز هر فصل اهداف آموزشی آن فصل آمده که دانشجویان از همان آغاز بدانند با چه اطلاعاتی روبرو هستند. نیز در پایان برخی از دروس، سوالاتی با عنوان «برای تأمل» گنجانده شده که ذهن مخاطب را به تحلیل و تعمق در متن وادار می‌دارد. در پایان بر خود فرض می‌دانم، مراتب سپاسگزاری و امتنان خود را به محضر کسانی که در تحقق این هدف مرا یاری نمودند تقدیم نمایم؛ خواهر بزرگوارم سرکار خانم ناهید جمالی که در تمام ابعاد زندگی علمی پژوهشی ام، به مثابه خورشید مهربانی و معرفت می‌درخشد. جناب مهندس محمود احمدی که اگر نبود زحمات بی‌دریغ و برادرانه ایشان دشواری‌های مراحل چاپ این مجموعه مرتفع نمی‌شد. و دانشجوی گرامی، سرکار خانم عصمت السادات کاج آبادی که در ویراستاری این کتاب متحمل زحمت شدند.

آرزو می‌کنم تلاش در جهت تدوین مجموعه حاضر ابتدا مورد رضایت، حق تعالی و سپس مورد توجه و پسند شما دانشجویان عزیز و گرامی قرار گیرد. نظرات و راهنمایی ارزشمند خود را از من دریغ نفرمایید.

فاطمه جمالی

مهرماه ۱۳۹۰